

Complexities of Identifying Public Issues in Iran with a Grounded Theory Approach

Shakiba Elsagh

Ph.D. Student., Department of Public Administration, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran,
Elsagh.shakiba@yahoo.com

Hassan Givarian

(Corresponding Author) Associate Prof., Department of Public Administration, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, Givarian @yahoo.com

MohammadReza RabieeMandejin

Assistant Prof., Department of Public Administration, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, M.rabiee2012@yahoo.com

Mina JamshidiEvanaki

Assistant Prof., Department of Public Administration, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, Minjajamshid@iauctb.ac.ir

Abstract

What governments either decide to do or do not decide to do is called public policy. This process begins with identifying the issues; but its focus on identifying these very issues is something that affects the general public. This research provides a model for identifying public issues in Iran with the grounded theory approach. In this essay, the grounded theory has been used and 15 interviews with policy experts have been conducted. Data were analyzed by open, axial and selective coding and the research model was presented. Data analysis led to 122 concepts, 23 categories and the formation of the grounded theory model. The results show that the causal conditions include the issues of public sensitivity to the subject, the cost of the issue for the country, the geographical area surrounding the issue, emergency events and natural disasters, interfering factors including legislators and

government officials, Political actors, non-governmental actors, mass media, universities and research institutes in the public space of the Iranian policy-making system, the intellectual currents and mental models of policy makers, political and security dynamics, social, cultural and religious conditions, Economic and technological developments, foreign and international currents along with organizational and administrative currents influence the identification of public issues in Iran.

Keywords: Grounded Theory, Identify and Prioritize the Issues, Public Issues, Public Policy-Making

پيچيدگي‌هاي شناسايي مسائل عمومي در ايران با رويکرد داده‌بنیاد

شکيبا الصاق

دانشجوی دکتری، گروه مدیریت دولتی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
Elsagh.shakiba@yahoo.com

حسن گیوریان

دانشیار، گروه مدیریت دولتی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
Givarian@yahoo.com

محمدرضا ربیعی‌مندجین

استادیار، گروه مدیریت دولتی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
M.rabiee2012@yahoo.com

مینا جمشیدی‌اوانکی

استادیار، گروه مدیریت دولتی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
Minjamshid@iauctb.ac.ir

چکیده

آنچه دولت تصمیم به انجام آن می‌گیرد یا تصمیم به انجام آن ندارد خط‌مشی عمومی خوانده می‌شود. این فرآیند با شناسایی مسئله آغاز می‌شود و تمرکز آن بر شناسایی مسئله است که عموم مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این پژوهش الگوی شناسایی مسائل عمومی با رویکرد داده‌بنیاد در ایران را ارائه می‌دهد. در این پژوهش از نظریه داده‌بنیاد استفاده شده و ۱۵ مصاحبه با خبرگان نظام خط‌مشی‌گذاری انجام گردیده است. داده‌ها توسط کدگذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل و قضایا والگوی پژوهش ارائه گردید. تحلیل داده‌ها در نهایت به احصای ۱۲۲ مفهوم و ۲۳ مقوله و شکل‌گیری الگوی داده‌بنیاد انجامید. نتایج پژوهش نشان می‌دهد شرایط علی شامل مقوله‌های حساسیت عمومی نسبت به موضوع، هزینه ایجاد شده ناشی از وجود موضوع برای کشور، محدوده و قلمرو جغرافیایی درگیر با موضوع و حوادث غیرمترقبه و بلایای طبیعی و عوامل مداخله‌گر شامل قانونگذاران و مجریان دولتی،

بازیگران سیاسی، بازیگران غیردولتی، رسانه‌های جمعی، و دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی در فضای عمومی نظام خطمشی‌گذاری ایران شامل جریان‌های فکری و مدل‌های ذهنی خطمشی‌گذاران، جریان‌های سیاسی و امنیتی، شرایط اجتماعی، فرهنگی و مذهبی، شرایط اقتصادی و فناوری، جریان‌های خارجی و بین‌المللی، و جریان‌های سازمانی و اداری بر شناسایی مسائل عمومی در ایران تأثیرگذارند.

واژه‌های کلیدی: خطمشی‌گذاری عمومی، شناسایی و اولویت‌بندی مسئله، مسائل عمومی، نظریه داده‌بنیاد.

تاریخ دریافت: ۰۰/۰۷/۱۶ تاریخ بازبینی: ۰۰/۰۸/۱۰ تاریخ پذیرش: ۰۰/۱۰/۲۵
فصلنامه راهبرد، سال ۳۰، شماره ۴، پیاپی ۱۰۱، اسفند ۱۴۰۰، صص ۶۹۱-۷۳۰

۱- مقدمه و بیان مسئله

امروزه مسائل عمومی حساس‌تر از گذشته‌اند و دولت‌ها مجبورند برای رفع مسائل عمومی جامعه، اقدام به خط‌مشی‌گذاری کنند (معمارزاده و شگری، ۱۳۸۵، ص. ۳) و در جستجوی راه‌حلی برای مسائل و مشکلات جامعه باشند (ابوالحسنی‌رنجبر و دیگران، ۱۳۹۷). خط‌مشی عمومی یک اقدام دولتی است که در جهت حل یک مسئله عمومی انجام می‌شود و نتیجه آن به تعهد بازیگران درگیر در کل فرآیند خط‌مشی‌گذاری بستگی دارد و توانایی بازیگران خط‌مشی در شناسایی مسائل مختلف هر قشر از جامعه از اهمیت بالایی برخوردار است. قانون‌گذاران مسئول شناسایی مشکلات و مسائل عمومی شهروندان از طریق فرآیند خط‌مشی‌گذاری عمومی هستند و برای تعیین اولویت‌های خط‌مشی‌گذاری، درخصوص مشکلات و مسائل عمومی شهروندان باید با آنها مشورت کنند (Ishola et al., 2019). شناسایی مسئله عمومی به عنوان اولین مرحله و به مثابه ورودی فرآیند خط‌مشی‌گذاری عمومی نقش زیادی بر مراحل بعدی این فرآیند دارد (سلیمانی خوئینی و دیگران، ۱۳۹۸، ص. ۵۳۱) و نمی‌توان انتظار داشت، یک سیستم با ورودی نادرست، خروجی مناسب و کارایی را ارائه نماید. بنابراین، تشخیص نادرست مسئله عمومی، نه تنها مشکل را برطرف نمی‌سازد، بلکه فرآیند خط‌مشی‌گذاری را دچار اختلال نموده و منجر به اتلاف منابع می‌گردد (فقیهی و کاوه، ۱۳۹۴).

هر یک از مسائل و موضوعات عمومی ابعاد متعددی دارند. از سوی دیگر، نظام حکمرانی و خط‌مشی عمومی که برای حل این مسائل ایجاد شده است نیز از ارکان متعددی تشکیل شده است (میری و دیگران، ۱۳۹۷، ص. ۱۵۹). شناسایی مشکل و مسئله عمومی، یکی از مهمترین مراحل خط‌مشی‌گذاری است (Dye, 2005, p. 31). اهمیت این امر از آن رو است که در بسیاری از مواقع، گروه‌های ذی‌نفع با استفاده از توان تبلیغاتی خود، مشکلات و مسائل عمومی را بر حسب منافع خود تعریف کرده، مصالح عمومی را از نظر خط‌مشی‌گذاران دور می‌سازند (Kingdom, 2003, p. 109). در همین امتداد، دانایی فرد معتقد است که خط‌مشی، بر مجموعه اقدام‌های نسبتاً پایدار و هدفمند حکومت‌ها، برای حل یک مشکل عمومی دلالت دارد (دانایی فرد، ۱۳۸۸، ص. ۱۲۶). بنابراین، با در نظر گرفتن مشکلات و تنگناهای دستگاه‌های اداری در کشورهای در حال توسعه خط‌مشی‌گذاران باید طوری خط‌مشی‌گذاری کنند که ابتدا، اولویت‌دارترین مشکلات عمومی مدنظر خط‌مشی‌گذاران قرار گیرند و در چرخه خط‌مشی، به چرخش درآیند (الوانی و شریف زاده، ۱۳۹۴). از این رو، انجام پژوهش‌هایی که به تعیین شاخص برای اولویت‌بندی عادلانه مشکلات عمومی کمک می‌کنند، بسیار ضروری است. مسئله دیرین و اساسی دولت آن است که منابع ملی محدودند و خواسته‌ها و نیازهای اجتماعی نامحدود. بنابراین، هر چند شناسایی مشکلات و مسائل عمومی دشوار است، اولویت‌بندی آنها دشوارتر است و دشوارتر از این دو، اهتمام به حل مسائل منتخب، برای رسیدگی به مشکلات جاری مردم است. بنابراین، اولویت‌بندی مشکلات و مسائل عمومی، باید در صدر مباحث خط‌مشی‌گذاری عمومی، مدنظر قرار گیرد (پورعزت و هاشمی کاسوایی، ۱۳۹۶، ص. ۱۰).

فرآیند خط‌مشی‌گذاری با پدید آمدن یک مشکل یا به طور دقیقتر با مشاهده تفاوت بین شرایط موجود و مطلوب آغاز می‌شود (گیوریان و ربیعی مندجین، ۱۳۹۴، ص. ۲۶۳) و مسئله، نقطه آغازین خط‌مشی است و توجه خط‌مشی‌گذاران را به خود جلب می‌کند (Hardee et al., 2004, p. 10). قبل از اینکه وضعیت یا موضوعی به عنوان یک مسئله عمومی شناسایی شود و نیاز به مداخله خط‌مشی‌گذاران و بوروکرات‌ها داشته باشد، باید دارای برخی شرایط باشد. به عقیده پوپولا (۲۰۱۶)

شناسایی مسئله عمومی شامل مطالعه مسئله و علل ایجاد آن است. فاسیپه (۲۰۱۵) بیان می‌کند این که چه تعداد از اعضای جامعه تحت تأثیر مسئله شناسایی شده قرار می‌گیرند از اهمیت خاصی برخوردار است. همچنین مینتروم^۲ (۲۰۱۹) عوامل مؤثر بر شناسایی مسئله عمومی را شامل منابع مورد نیاز برای حل مسئله، کیفیت شواهد مربوط به مسئله، راه‌حل‌های احتمالی برجسته شده و افراد و شهروندان درگیر مسئله و آگاهی آنها از مسئله می‌داند. اندرسون^۳ (۲۰۱۱) بیان می‌کند برخی از مسائل ممکن است مورد توجه دولت قرار گیرند در حالی که برخی دیگر ممکن است مورد توجه قرار نگیرند و به عنوان مسئله عمومی شناسایی نشوند. موضوع، وسعت و شدت مشکل از عوامل مهمی است که در انتقال آن تأثیر دارد. همچنین تعداد افراد که تحت تأثیر مسئله قرار دارند، نحوه همبستگی و ارتباط آنها با هم و میزان قدرتشان، در مطرح ساختن مسئله تأثیر می‌گذارد.

معمولاً شرایط به صورت مسئله عمومی در نمی‌آیند، مگر آنکه عده زیادی از مردم را تحت تأثیر قرار دهد (دانش فرد، ۱۳۹۳، ص. ۱۱۴). اینیانیا^۴ (۲۰۱۶) معتقد است، مسئله قبل از قرار گرفتن در دستور کار، بر قسمتی از جامعه یا عموم مردم تأثیرگذار باشد. اندرسون (۲۰۱۱) بیان می‌کند باید یک ارزش یا استاندارد وجود داشته باشد که بخواسته آن شرایط، و وضعیت موجود، آزاردهنده و توسط جامعه یا مردم غیرقابل قبول باشد. با این حال، نتایج پژوهش علیا، ایکدینما و آلابی^۵ (۲۰۱۸) نشان می‌دهد خط‌مشی‌گذاران اغلب افکار عمومی را نادیده می‌گیرند، زیرا اغلب شهروندان در فرآیندها و برنامه‌های خط‌مشی عمومی همراه نیستند و نخبگان جامعه غالباً به دلیل منافع شخصی، افکار عمومی را به نفع خودشان نشان می‌دهند. اینیانیا (۲۰۱۶) معتقد است در کشورهای در حال توسعه، از آنجایی که هم‌افزایی شدیدی بین شهروندان و دولت وجود ندارد، اغلب خط‌مشی‌ها از سیستم سیاسی ناشی

۱ Fasipe

۲ Mintrom

۳ Anderson

۴ Eneanya

۵ Aliyu, Ikedinma & Alabi

می‌شود و منجر به عدم حمایت کامل شهروندان از برنامه‌ها و فعالیت‌های دولت می‌شود. اندرسون (۲۰۱۱) عقیده دارد گروه‌های فشار، گروه‌های ذینفع و احزاب سیاسی تمایل دارند در فرآیند سیاسی مشارکت نمایند و بر فرآیند تصمیم‌گیری و شنا سایی مسائل عمومی تأثیر بگذارند. ون‌آلست (۲۰۱۹) معتقد است رسانه‌ها و روزنامه‌نگاران در شناسایی مسائل عمومی و تأثیرگذاری بر خط‌مشی‌های عمومی نقش بسزایی ایفا می‌کنند و می‌توانند در اهمیت و تعریف موضوعات و مسائل ورود به دستورکار سیاسی تأثیر داشته باشند.

در خصوص تشخیص مسئله، خط‌مشی‌گذار پس از مواجهه با مشکلات متعدد و باز شنا سی مشکل اصلی از عوارض آن، آنها را اولویت‌بندی می‌کند و اصلی‌ترین را انتخاب نموده و برای حل آن در پی چاره برمی‌آید (الوانی، ۱۳۹۵، ص. ۴۵). سلیمانی‌خوئینی و دیگران (۱۳۹۸) بیان می‌کنند که بازیگران دولتی شامل دولت (قوه مجریه)، مجلس شورای اسلامی (قوه مقننه) و افراد و نهادهای قانون اساسی، بازیگران غیردولتی شامل گروه‌های ذینفع و گروه‌های ذی‌نفوذ، و همچنین حساسیت موضوع، قلمرو موضوع، مقطع زمانی وقوع رویداد و هزینه ایجاد شده از طریق رویداد بر فرآیند شناسایی مسائل عمومی در ایران تأثیر گذارند.

لافر^۷ (۲۰۰۶) چارچوبی سه مرحله‌ای برای اجرای شناسایی مسائل عمومی و توسعه راهکارها ارائه داده است، پیرس جاکوس^۸ (۲۰۰۸) معتقد است فرآیند شناسایی و مدیریت مسائل عمومی به صورت پنج مرحله‌ای می‌باشد. همچنین نتایج پژوهش‌های دانشگاه میشیگان (۲۰۱۸) نشان می‌دهد مسئولیت‌های شهروندان در شناسایی مسائل عمومی تأثیرگذار است و از ارزش‌های دموکراسی برای حمایت از خط‌مشی عمومی استفاده می‌شود. به زعم برخی پژوهشگران عوامل مختلفی از جمله مسئله‌یابی از طریق پیشی گرفتن سایر کشورها و مسئله‌یابی از طریق کارکنان (شیخ پور و سلاجقه، ۱۳۹۶)، گستره، شدت، فوریت، تسهیل‌گری حل سایر مشکلات عمومی و تأثیرگذاری بر رعایت ارزش‌های اجتماعی (پورعزت و هاشمی کاسوایی، ۱۳۹۶)، حاکمیت، احزاب، رسانه‌ها و گروه‌های ذینفع و بخش خصوصی (فقیهی و

۶. VanAelst

۷. Laufer

۸. Pierce Jaques

کاوه، ۱۳۹۴)، ساخت و بافت ادبیات جاری و بعضاً خودساخته، مبنای ذهنیت و مدل‌های ذهنی خط‌مشی‌گذاران (پورعزت و دیگران، ۱۳۹۲) و حاکمیت شامل وزارتخانه‌ها، کمیسیون‌ها و فراکسیون‌های مجلس، بوروکرات‌ها و کارگزاران دولتی؛ بخش خصوصی شامل اصناف، رسانه‌ها و جراید غیردولتی، تشکل‌ها و نهادهای غیردولتی، گروه‌های ذینفع، اتاق‌های فکر و مراکز تحقیقاتی و احزاب (قلی‌پور، ۱۳۸۹) بر فرآیند شناسایی مسائل عمومی تأثیرگذار هستند.

راهبرد و ساختار تحلیلی راهبرد در شناسایی مسائل عمومی که در حوزه‌ی سیاست‌گذاری و خط‌مشی‌گذاری عمومی مورد استناد قرار می‌گیرد، از یک سو بر مبدأ خود یعنی عوامل علی‌ایجاد مشکلات و مسائل توجه نموده و از سویی نگاهی بر واقعیت‌ها، موانع و منابع دارد و هرگونه تبیین راهبردی بدون لحاظ این دو جهت‌گیری، به عدم شناسایی و حل مسائل عمومی منجر می‌گردد. با توجه به اهمیت موضوع، این سؤال‌ها مطرح می‌گردد که عوامل علی‌ای و اثرگذار بر شناسایی مسائل عمومی در ایران کدامند؟ مسائل عمومی تحت تأثیر کدام شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر شناسایی می‌شوند؟ و همچنین راهبردهای شناسایی مسائل عمومی کدامند؟ پژوهش حاضر با رویکرد داده‌بنیاد به شناسایی مسائل عمومی و پس از مروری بر فرآیند خط‌مشی‌گذاری عمومی و تشخیص مسائل عمومی به شناخت شرایط مؤثر بر فرآیند شناسایی مسائل عمومی می‌پردازد و در ادامه، الگوی شناسایی مسائل عمومی ارائه می‌گردد.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

شناسایی مسئله عمومی، اولین و یکی از مهمترین مراحل خط‌مشی‌گذاری است (Dye, 2005, p. 31) و در بسیاری از مواقع، گروه‌های ذی‌نفوذ با استفاده از توان تبلیغاتی خود، مشکلات و مسائل عمومی را برحسب منافع خود تعریف کرده و مصالح عمومی را از نظر خط‌مشی‌گذاران دور می‌سازند (Kingdom, 2003, p. 109). یک تعریف یکسان از مسئله عمومی در جهان وجود ندارد. در واقع هر یک از دانشمندان براساس درک خود از چیستی مسئله عمومی یک تعریف از آن ارائه داده‌اند. اما علی‌رغم اینکه چندین تعریف از مسئله عمومی وجود دارد، همه‌ی آنها حول چند مفهوم کلیدی همچون عموم مردم و نیاز به دخالت دولت صورت‌بندی شده‌اند. به صورت مصطلح به مسئله‌ای که به عموم مردم در یک ناحیه جغرافیایی مربوط باشد و نیاز به عمل دولت وجود داشته باشد، مسئله عمومی می‌گویند. سه عامل کلیدی

وجود دارد که براساس آن یک مسئله می‌تواند به عنوان مسئله عمومی شناخته شود و از مسئله خصوصی تفکیک شود اول آن که حوزه‌ی اثر زیادی داشته باشد، دوم آن که نیاز به مداخله دولت در آن و سیاستگذاری عمومی در رابطه با آن مسئله وجود داشته باشد، و آخر آن که مجادله و بحث و اختلاف نظر درباره آن وجود داشته باشد (حسنی، ۱۳۹۹). لذا شناسایی مسائل عمومی موضوعی پیچیده و در عین حال مهم است که تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار دارد که برخی از آنها در اختیار مدیریت قرار ندارد (شیخ پور و سلاجقه، ۱۳۹۶، ص. ۶۰).

با توجه به اهمیت مسائل عمومی، مدیریت و کنترل آنها و انتخاب استراتژی مناسب در برخورد با آنها می‌تواند از اهم واجبات تلقی شود. امروزه بسیاری از سازمان‌های کشورهای مرفعی متخصصانی را در زمینه مدیریت مسائل عمومی تربیت می‌کنند. پیامدهای مسائل عمومی، محیط کاری و عملیاتی آینده دولت را تعیین می‌کنند. به عبارت دیگر، تداوم فعالیت دولت در آینده بستگی به میزان توجه آن به مسائل عمومی دارد. دولت هر میزان خود را بی‌توجه نسبت به مسائل عمومی و اجتماعی نشان دهد به همان اندازه به سوی فنا و نیستی حرکت خواهد کرد (گیوریان و ربیعی مندجین، ۱۳۹۴، ص. ۴۱).

به طور کلی، آنچه دولت تصمیم به انجام آن می‌گیرد یا تصمیم به انجام آن ندارد خط‌مشی عمومی خوانده می‌شود و بر مردم تأثیر دارد. این فرآیند با شناسایی مسئله آغاز می‌شود و تمرکز خط‌مشی‌گذاری عمومی بر شناسایی مسئله است که عموم مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Popoola, 2016). به عقیده هیوود^۱ (۲۰۰۷) این مرحله‌ای است که برخی مسائل خاص در یک جامعه به عنوان مسائل عمومی تعریف می‌شوند و می‌تواند به عنوان تعریف مسئله نیز شناخته شود. منون^۲ (۲۰۱۴) اظهار می‌دارد که نقطه شروع فرآیند خط‌مشی‌گذاری این است که مسئله مورد بحث، تشخیص داده شود و شناسایی مسئله عمومی، در واقعیت چندان آسان نیست. تشخیص مسئله عمومی، یکی از مراحل مهم و اساسی در فرآیند خط‌مشی‌گذاری به شمار می‌رود و به نوعی فرآیند خط‌مشی‌گذاری را تغذیه می‌نماید. با توجه به

^۱ Heywood

^۲ Menon

شباهت‌های بازیگران مؤثر اعم از دولتی و غیردولتی در تشخیص مسئله در کشورهای مختلف، در هر کشور با توجه به ساختار سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و عواملی از این دست، اهمیت بازیگران تشخیص مسئله متفاوت بوده و به فراخور ساختارهای موجود، یک بازیگر از اهمیت بیشتری نسبت به سایرین برخوردار خواهد بود (فقیهی و کاوه، ۱۳۹۴، ص. ۱۲).

عدم وجود سازوکار مشخص و مدون برای شناسایی مسائل عمومی، در عموم موارد، موجب پرداختن به مسائل کوتاه‌مدت و گذرا می‌شود. این نوع پرداختن به مسائل عمومی، صرفاً یک نگاه کوتاه‌مدت را طلب می‌کند و در ادامه شکل‌گیری افکار عمومی بر محور همین مسائل، سیاست‌گذاران و دولت‌مردان را به رفتارهای نمایشی سوق می‌دهد. اما این رفتارها در قبال مسائل عمومی، با تاخیر به شکست سیاست و پیچیدگی بیشتر مشکلات می‌انجامد. چرا که گاه با عدم شناخت صحیح از مسئله، به راهکارهای حل آن پرداخته می‌شود که این مورد یک خطای شناختی در عرصه‌ی خط‌مشی‌گذاری است (حسنی، ۱۳۹۹، ص. ۳). میزان همسویی و ارتباط نزدیک خط‌مشی‌گذاران با جامعه و کسانی که دچار مشکل هستند می‌تواند در انتقال مشکل و تسریع و تسهیل طرح مسئله کمک کند (الوانی، ۱۳۹۵، ص. ۴۴). بنابراین با طراحی یک سازوکار مشخص برای شناسایی مسائل عمومی می‌توان مسئولان را از رفتارهای تک‌بعدی و مشکل‌ساز و مسئله‌زا بر حذر داشت (حسنی، ۱۳۹۹، ص. ۳). در این پژوهش، سازوکار مشخصی بر اساس مبانی نظری و پیشینه پژوهش در قالب الگوی داده‌بنیاد برای شناسایی مسائل عمومی طراحی و ارائه گردیده است.

۲-۱- پیشینه تجربی

بررسی‌های محققین از پایگاه‌های داده نشان می‌دهد پژوهش‌های متعددی در زمینه شناسایی مسائل عمومی و خط‌مشی‌گذاری عمومی در ایران وجود دارد، اما با رویکرد داده‌بنیاد در ایران پژوهش مستقلی انجام نشده است. ون‌آلست (۲۰۱۹) در پژوهشی در مورد نقش رسانه‌ها در شناسایی مسائل عمومی و تأثیرگذاری بر خط‌مشی‌های عمومی با عنوان روزنامه‌نگاران و خط‌مشی‌های عمومی بیان می‌کند روزنامه‌نگاران می‌توانند در اهمیت و تعریف موضوعات و مسائل در ورود به دستورکار سیاسی تأثیر داشته باشند. ای‌شولا و دیگران (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان نقش قانون‌گذاران در شناسایی مسائل و تنظیم دستور کار در فرآیند خط‌مشی‌گذاری

عمومی در نیجریه، به این نتیجه رسیدند که فرآیندهای شناسایی مسائل و تنظیم دستورکار در نیجریه معیوب است. در حالی که قانون‌گذاران ادعا می‌کنند که برای شناسایی مسائل عمومی به طور منظم با شهروندان مشورت می‌کنند، اما شهروندان و مدیران سازمان‌های مردم‌نهاد ادعا می‌کنند که آنها فقط در دوره مبارزات انتخاباتی قبل از انتخابات عمومی با قانون‌گذاران دیدار می‌کنند. آنها عقیده دارند قانون‌گذاران باید از طریق همکاری با سایر ذینفعان جامعه مانند سازمان‌های غیردولتی و مردم‌نهاد، گروه‌های جامعه مدنی، رسانه‌ها و اندیشکده‌ها، مسائل عمومی را شناسایی و خط‌مشی‌گذاری کنند.

دانشگاه میشیگان (۲۰۱۸) با هدف تعیین نقش دولت‌ها برای حل مسائل عمومی و با تأکید بر پاسخ به سه سوال (۱) شهروندان مسئول چگونه مشکلات کشور را حل می‌کنند؟ (۲) مردم چگونه درباره مسائل عمومی در دولت می‌آموزند؟ و (۳) چرا مردم در مورد چگونگی و راه‌حل‌های مسائل عمومی مخالفت می‌کنند؟ مدل شناسایی مسائل عمومی و حل آنها را ارائه نموده است. در این مدل، با توجه به انواع مسائل عمومی در جامعه و بررسی مسئولیت‌های شهروندان، خط‌مشی عمومی شناسایی می‌شود و از ارزش‌های دموکراسی برای حمایت از مسائل عمومی استفاده شده است. آنتونی داونز^۱ (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان یک چرخه پنج مرحله‌ای از نحوه مواجهه عموم با مسئله به این نتیجه رسید که این چرخه بر این مفهوم استوار است که توجه عمومی به ندرت بر روی یک موضوع عمومی، فارغ از سرشت عینی آن مسئله متمرکز می‌شود. این چرخه به شکل زیر می‌باشد: (۱) مرحله پیش از مسئله: وجود شرایط اجتماعی نامطلوب که هنوز توجه عموم را به خود جلب نکرده است. (۲) کشف هشداردهنده و شور و اشتیاق رخدادی مهیج، توجه عمومی را جلب می‌کند و با نوعی اشتیاق برای حل مسئله همراه می‌گردد. (۳) تشخیص هزینه تغییر: عموم به تدریج در می‌یابند که سختی اجرای تغییری معنادار چقدر زیاد است. (۴) کاهش منافع عمومی: مردم بی‌میل یا خسته می‌شوند یا آنکه موضوعی جدید، توجهات را به خود جلب می‌کند. (۵) مرحله پس از مسئله: اگر چه موضوع حل نشده است اما از تقویم ملت بیرون افتاده است.

^۱ . Anthony Downs

عباسی و دانش‌فرد (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان الگوی مشارکت شهروندان در مرحله اول خط‌مشی‌گذاری عمومی (شناسایی مسائل عمومی) به این نتیجه رسیدند که مشارکت شهروندان در شناسایی مسائل عمومی دارای سه بعد اصلی مشاوره، شراکت و توانمندسازی می‌باشد. حسنی (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان مطالعه تطبیقی و ارائه سازوکار شناسایی مسائل عمومی در ایران معتقد است سازوکار شناسایی و اولویت‌بندی مسائل عمومی، یکی از ملزومات خط‌مشی‌گذاری صحیح و کارآمد به شمار می‌آید که خط‌مشی‌گذاران را از نگاه‌های سطحی، تک‌بعدی و کوتاه‌مدت می‌رهاند و همچنین به تقاضای عمومی شکل می‌دهد. سلیمانی خوئینی و دیگران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان الگوی اقتضایی شناسایی مسائل عمومی در فرآیند خط‌مشی‌گذاری ایران با تأکید بر عوامل پیش‌ران و با روش تحلیل مضمون به این نتیجه رسیدند که بازیگران دولتی شامل دولت (قوه مجریه)، مجلس شورای اسلامی (قوه مقننه) و افراد و نهادهای قانون اساسی، بازیگران غیردولتی شامل گروه‌های دین‌فرو و گروه‌های ذی‌نفوذ و همچنین حساسیت موضوع، قلمرو موضوع، مقطع زمانی وقوع رویداد و هزینه ایجاد شده از طریق رویداد بر فرآیند شناسایی مسائل عمومی در ایران تأثیرگذارند.

باقری و پیشگاه‌ادیان (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان الگوی مطلوب مسئله‌یابی در فرآیند سیاست‌گذاری شورای عالی امنیت ملی ج.ا.ایران به این نتیجه رسیدند که سیاست‌گذاری حاصل تعامل پیچیده بین افراد، نهادها، ایده‌ها و منافع است. سیاست‌گذاری در شورای عالی امنیت ملی ج.ا.ایران بر مبنای موضوعاتی است که برای بخش یا بخش‌هایی از جامعه مشکل امنیتی ایجاد می‌کند. از این رو، شناخت صحیح مسئله، نقش اساسی در شروع فرآیند سیاست‌گذاری دارد، چرا که هر گام نادرست، زنجیره‌ای از اشتباهات بعدی را به دنبال می‌آورد که خود نیازمند سیاست‌گذاری جدید برای بازگرداندن و وضعیت به حالت اولیه است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که الگوی مطلوب مسئله‌یابی شامل پنج مؤلفه احساس وجود مسئله، کالبدشکافی مسئله، محک مسئله با تراز مسائل ملی، پردازش مدیریتی مسئله امنیت ملی و آماده‌سازی مسئله برای ورود به دستور کار سیاست‌گذاری است.

رضوی‌نژاد و ملک‌محمدی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان درآمدی تحلیلی بر مسئله‌شناسی در سیاست‌گذاری امنیتی نشان دادند که بدون شناخت و تشخیص مسئله، فرآیند سیاست‌گذاری آغاز نمی‌شود، از این رو مرحله شناخت مسائل در مدل

چرخه‌ای فرآیند سیاست‌گذاری، مرحله‌ای اساسی است. شناخت مسئله علاوه بر صحت و دقت، باید به موقع نیز انجام گیرد. مسئله‌ای که به خوبی شناخته نشود، حل نمی‌شود و مسئله‌ای که حل نشود چه بسا به بحران تبدیل شود. بر این اساس، شناسایی به هنگام مسئله از هزینه‌های نابه‌جا می‌کاهد. عواملی که بر شناسایی مسائل تأثیرگذارند عبارتند از عامه مردم، کارشناسان و مدیران، نخبگان علمی و نگاه‌های بیرونی است.

فقیهی و کاوه (۱۳۹۵) در پژوهش خود با عنوان تشخیص مسئله عمومی؛ بررسی با رویکرد تطبیقی، به این نتیجه رسیدند که مجلس در فرانسه، قوه مجریه در ایالات متحده آمریکا و احزاب در بریتانیا به عنوان بازیگران اصلی و کلیدی تشخیص مسئله عمومی هستند و در ایران نیز حاکمیت بیشترین نقش را در شناسایی مسئله عمومی ایفا می‌نماید و نقش احزاب، رسانه‌ها و گروه‌های ذینفع و بخش خصوصی در فرآیند شناسایی مسئله عمومی کم‌رنگ می‌باشد.

در ارزیابی انتقادی و بررسی نقطه تمایز این پژوهش با پژوهش‌های انجام شده، می‌توان عنوان کرد که محققین تلاش نموده‌اند با رویکرد داده بنیاد بر همه عوامل مؤثر بر شناسایی مسائل عمومی تأکید نمایند، در حالی که به نظر می‌رسد سایر پژوهش‌ها بر مدیریت مسائل عمومی تأکید داشته‌اند. با توجه به عدم نظریه‌پردازی و عدم تبیین کلی از شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، عوامل مداخله‌گر و همچنین راهبردها و پیامدهای شناسایی مسائل عمومی در ایران و با توجه به قلت تحقیقات در این زمینه، به نظر می‌رسد این پژوهش ضرورت دارد و می‌تواند به غنای ادبی در شناسایی مسائل عمومی و خط‌مشی‌گذاری کشور بیافزاید.

۳- روش تحقیق

این پژوهش با هدف ارائه الگوی شناسایی مسائل عمومی با رویکرد داده‌بنیاد در ایران انجام شده است. در پژوهش‌های علوم انسانی و علوم رفتاری، انتخاب روش پژوهش برای پی‌بردن به واقعیت حائز اهمیت است (ابوالمعالی و دیگران، ۱۳۹۹، ص. ۱۵۷) و ارزشمندی روش‌های پژوهش به اهداف و مقاصد بهره‌گیری از آنها بستگی دارد (تسلیمی و دیگران، ۱۳۹۵، ص. ۱۲). همچنین قلی‌پور و دیگران (۱۳۹۸) بیان می‌کنند اتخاذ راهبرد پژوهش مبتنی بر پارادایم انتخاب شده بر انتخاب روش پژوهش تأثیر دارد. این پژوهش اکتشافی و با رویکردی کیفی و روش نظریه‌برخاسته از داده (داده‌بنیاد) و با تمرکز بر صاحب‌عقل عمیق و نیمه ساختاریافته اجرا شده است.

روش داده‌بنیاد، روشی استقرایی برای تبیین یک پدیده جدید براساس داده‌ها است (Chandrasegaran et al., 2017) و به پژوهشگر اجازه می‌دهد در مواردی که امکان تدوین فرضیه وجود ندارد، به جای استفاده از تئوری‌های قبلی، تئوری‌پردازی کند (الوانی و دیگران، ۱۳۹۰) و نظریه حاصل از اجرای آن، مدلی فرایندی است که چگونگی شکل‌گیری پدیده اصلی پژوهش را تبیین می‌کند (محمدیان و خدادادبرمی، ۱۳۹۹، ص. ۹۵). نظریه داده‌بنیاد، روشی نظام‌مند و کیفی برای خلق نظریه‌ای در سطحی گسترده است که به تبیین فرایند موضوعی می‌پردازد (Glaser & Strauss, 2017) و شامل دو رویکرد کوربین-اشتراوس و رویکرد کلاسیک گلیسر می‌باشد (اسدی فرد و دیگران، ۱۳۹۵).

در این پژوهش، از طرح نظام‌مند کوربین و اشتراوس (۲۰۰۸) استفاده شده است. ویژگی متمایز این روش این است که مقوله‌های فرعی زیر سلسله روابطی به مقوله اصلی و محوری مرتبط شده و روابط میان آنها با مقوله اصلی با الگو و مدلی مشخص می‌شود. ایجاد چنین ارتباطی بر مبنای طرح پرسش و انجام مقایسه صورت می‌پذیرد (حکاک و آزادی، ۱۳۹۹، ص. ۳۲۳). براساس این طرح، برای تحلیل داده‌های کیفی گردآوری شده لازم است تا سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی انجام شوند تا در نهایت پارادایمی منطقی یا تصویری عینی از نظریه خلق شده ارائه گردد (ابوالحسنی رنجبر و دیگران، ۱۳۹۶، ص. ۶۲۵). در واقع از طریق کدگذاری، کدهای مفهومی ایجاد می‌شوند که پیوند میان داده‌ها و نظریه را روشن می‌کند (برخورداری، ۱۳۹۹، ص. ۳۳). پس از بررسی عمیق ادبیات پژوهش و بررسی سایر پژوهش‌ها، مبنای نظری، پیشینه پژوهش و سؤالات مصاحبه تدوین گردید و روایی پرسش‌های مصاحبه، با هم‌اندیشی خبرگان تأیید شد. بر این اساس پس از جمع‌آوری داده‌ها از طریق مصاحبه‌های اکتشافی و نیمه ساختاریافته، الگویی بر مبنای تحلیل داده‌بنیاد طراحی و با انجام مصاحبه مجدد، روایی الگو تأیید شده است. پروتکل مصاحبه به شرح جدول ۱ است.

جدول ۱. پروتکل مصاحبه

کد مصاحبه شونده:
سوال ۱. به طور کلی به چه دلیلی فرآیند شناسایی مسائل عمومی باید انجام گیرد؟
سوال ۲. چه عواملی باعث بروز مسائل عمومی می‌شوند؟
سوال ۳. موضوعات مورد بررسی در دستور کار قانون‌گذاران چگونه شناسایی می‌شوند؟
سوال ۴. به طور کلی از آغاز تا پایان فرآیند شناسایی مسائل عمومی، شامل چه مراحل است؟
سوال ۵. مهمترین مرحله فرآیند مورد نظر و مسائل اصلی آن کدام است؟
سوال ۶. در هر یک از مراحل، چه فرد یا افرادی نقش دارند؟
سوال ۷. هر یک از مراحل به تفکیک چه اثرات متعاقبی در پی دارند؟
سوال ۸. سازمان‌ها و نهادهای دولتی در هر یک از مراحل فرآیند مورد نظر چه نقشی دارند؟
سوال ۹. افراد و نهادهای غیردولتی در هر یک از مراحل فرآیند مورد نظر چه نقشی دارند؟
سوال ۱۰. فرآیند شناسایی مسائل عمومی در چه بستری شکل می‌گیرند؟
سوال ۱۱. خاستگاه هر یک از مراحل فوق در پاسخ به چه نیازی بود؟

مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساختاریافته، کمک‌کننده‌ی محقق در جستجو و کشف دیدگاه‌ها، تجارب و ایده‌های مختلف مشارکت‌کنندگان است (بهمنی و دیگران، ۱۳۹۹، ص. ۱۴). نمونه‌گیری نفرات اول و دوم به صورت نظری و سایر مصاحبه‌شوندگان با روش گلوله‌برفی انتخاب شده‌اند و تا رسیدن مقوله‌ها به اشباع نظری ادامه یافت؛ که از مصاحبه پانزدهم داده‌های تکراری مشاهده و مفهوم جدیدی شناسایی نشد، لذا کفایت نمونه‌گیری محرز گردید. جامعه خبرگان این پژوهش شامل خبرگان دانشگاهی و مدیران نظام اداری، سیاسی و تصمیم‌گیری ایران است که آشنایی کامل با مباحث نظری موضوع، اعم از بحث مسائل عمومی و مباحث عملی خط‌مشی‌گذاری و اجرای آن داشتند و حداقل واجد یکی از ویژگی‌های ذیل بودند:

- حداقل یک دوره به عنوان نماینده مردم در مجلس شورای اسلامی حضور داشته‌اند.
- حداقل یک بار به عنوان وزیر یا معاون وزیر منصوب شده‌اند.
- حداقل یک بار به عنوان استاندار یا معاون استاندار منصوب شده‌اند.

- اعضاء هیئت علمی با حداقل مرتبه دانشیاری که بیش از ۴ سال در حوزه خط‌مشی‌گذاری تدریس داشته‌اند.

فلینت، وودراف و گاردیال^۳ (۲۰۰۲) بیان می‌کنند برای ارزیابی قابل اتکا بودن داده‌ها و تفسیرها، از معیارهای اعتمادپذیری، انتقال‌پذیری، اتکاپذیری، تاییدپذیری، فهم‌پذیری و عمومیت می‌توان استفاده کرد. در پژوهش‌های کیفی، معیار قابلیت اعتماد را می‌توان جایگزین روایی و پایایی مدنظر قرار داد (مقیمی و دیگران، ۱۳۹۵، ص. ۶۵۱) و همچنین برای اطمینان از روایی پژوهش به منظور دقیق بودن نتایج، بازبینی اعضاء و بررسی همکار توصیه شده است (الوانی و دیگران، ۱۳۹۰). در این پژوهش، به منظور دستیابی به روایی و معیارهای فوق، از روش‌های زیر استفاده شده است:

۹۰ روز زمان کافی برای انجام مصاحبه‌ها و بازبینی آنها صرف شد؛ مصاحبه‌های انجام شده، مرور و در کدگذاری‌ها و تفسیرها بازنگری شد؛ سپس گزارشی از نتایج پژوهش به مصاحبه‌شوندگان ارائه و نظرات آنها مجدداً اخذ شد؛ کدگذاری‌ها و مقوله‌های به دست آمده توسط دو عضو هیئت علمی دانشگاه و یک مدیر ارشد دولتی بررسی و تأیید شد. داده‌های مصاحبه با مشاهده پژوهشگران از وضعیت شناسایی مسائل عمومی و خط‌مشی‌گذاری در کشور بررسی و مقایسه شد و نظرات اعضای تیم پژوهش بر فرآیند جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها به طور مستمر انجام گردید؛ تلاش شد فرآیند، متن و زمینه پژوهش به صورت تفصیلی و دقیق توصیف گردند و داده‌های انحرافی به درستی تشخیص داده شود. همچنین برای بررسی پایایی فرآیند کدگذاری‌ها نیز از روش توافق و ضریب کاپا استفاده شده است و با توجه به اینکه شاخص کاپا کوچکتر از ۰/۰۵ بوده است، می‌توان ادعا کرد که استخراج کدها از پایایی کافی برخوردار بوده‌اند.

^۳Flint, Woodruff & Gardial

جدول ۲. مشخصات مصاحبه‌شوندگان

ردیف	مسئولیت / رتبه علمی	مدرک و رشته تحصیلی	سابقه فعالیت
۱	نماینده مجلس شورای اسلامی	فوق لیسانس مدیریت	دو دوره نماینده
۲	نماینده مجلس شورای اسلامی	دکتری جغرافیای سیاسی	یک دوره نماینده
۳	نماینده مجلس شورای اسلامی و عضو هیئت علمی دانشگاه	دکتری مدیریت مالی	سه دوره نماینده
۴	معاون وزیر، نماینده مجلس شورای اسلامی و عضو هیئت علمی دانشگاه	دکتری اقتصاد	۲۹ سال
۵	معاون وزیر و مدرس دانشگاه	دکتری مدیریت دولتی	۲۴ سال
۶	معاون وزیر و عضو هیئت علمی موسسه عالی مدیریت و برنامه‌ریزی	دکتری مدیریت	بیش از ۳۰ سال
۷	معاون وزیر	دکتری اقتصاد	۲۸ سال
۸	استاندار و معاون وزیر	کارشناسی ارشد مهندسی مکانیک	بیش از ۳۰ سال
۹	معاون استاندار	کارشناسی ارشد مدیریت دولتی	۲۷ سال
۱۰	معاون استاندار	مهندسی عمران	۲۴ سال
۱۱	عضو هیئت علمی دانشگاه	دکتری مدیریت دولتی	بیش از ۳۰ سال
۱۲	عضو هیئت علمی دانشگاه	دکتری مدیریت دولتی	بیش از ۳۰ سال
۱۳	عضو هیئت علمی دانشگاه	دکتری مدیریت دولتی	بیش از ۳۰ سال
۱۴	عضو هیئت علمی دانشگاه	دکتری مدیریت دولتی	۲۶ سال
۱۵	عضو هیئت علمی دانشگاه	دکتری مدیریت استراتژیک	۱۹ سال

۴- یافته‌های پژوهش

هم‌زمان با گردآوری داده‌ها کدگذاری آنها نیز انجام شد و تحلیل داده‌ها در رویکرد داده‌بنیاد منطبق بر روش نظام‌مند کوربین و اشتراوس (۲۰۰۸) و طی سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی انجام شده است. کدگذاری باز، فرآیندی تحلیلی است که با هدف شنا سایی مفاهیم، ویژگی‌ها و ابعاد

آنها در داده‌ها انجام می‌شود (ابوالحسنی رنجبر و دیگران، ۱۳۹۶، ص. ۶۲۷). لذا داده‌ها به بخش‌های مجزا تفکیک شدند و براساس شباهت‌ها و تفاوت‌های آنها و طی فرآیند رفت و برگشتی تحلیلی، مفاهیم و مقوله‌های مقدماتی از دل داده‌های خام اولیه استخراج شدند. نمونه‌ای از کدگذاری باز در جدول ۳ آورده شده است.

کدگذاری محوری، حول محور یک مقوله و فرآیند پیوند دادن مقوله‌ها در سطح ابعاد و ویژگی‌ها و ارتباط مقوله‌ها به زیرمقوله‌ها است. در این مرحله، یک مقوله به عنوان پدیده اصلی مشخص می‌شود و سایر مقوله‌ها شامل: شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها به آن ارتباط داده می‌شود و الگوی کدگذاری ترسیم خواهد شد (ابوالحسنی رنجبر و دیگران، ۱۳۹۶، ص. ۶۲۷). در کدگذاری محوری، درباره ارتباط میان مقوله‌ها، حدس‌هایی مقدماتی زده شد و برای اعتبارسنجی آنها از خبرگان نظرسنجی شد و براساس آن، ارتباط میان مقوله‌های پژوهش مشخص گردید و سایر مقوله‌ها به مقوله شناسایی مسائل عمومی ارتباط داده شد.

جدول ۳. کدگذاری باز

شناسه	متن مصاحبه (داده)	مفهوم
SHZ-JF-I06	معمولاً مسائل عمومی تحت تأثیر ذهنیت خطمشی گذاران در یک زمان خاص تشخیص داده می‌شوند.	باورها، گرایش‌ها، ارزش‌ها و انگیزه‌های خطمشی- گذاران
SHZ-JF-I08	خطمشی‌گذاران بیشتر براساس آنچه باور دارند اقدام می‌کنند.	
SHZ-JF-I14	مسائل عمومی براساس علائق و ایده‌های سیاست‌گذاران شکل می‌گیرد و آنها منافع و مصالح خود را دخیل می‌کنند.	

کدگذاری انتخابی، مرحله اصلی نظریه‌پردازی داده‌بنیاد است و محقق براساس نتایج مراحل قبل، مقوله‌های مرحله کدگذاری محوری را با هم ادغام می‌کند و

قضایای نظری بر اساس مدل پارادایم ارائه می‌شود (الوانی و دیگران، ۱۳۹۰). در این مرحله، قضایای پژوهش ارائه شده است. در مدل پارادایمی داده‌بنیاد، شرایط علی بر پدیده محوری، عوامل مداخله‌گر، شرایط زمینه‌ای و پدیده محوری بر راهبردها و راهبردها بر پیامدها تأثیرگذارند. بنابراین، الگوی شناسایی مسائل عمومی در ایران با استفاده از نظریه داده‌بنیاد، الگویی است که موارد زیر را مشخص می‌نماید:

(۱) مقوله‌های علی: وقایع و عللی هستند که به ایجاد یا رشد و گسترش پدیده‌ای می‌انجامند و حاصل شرایط علی یا شرایط مقدم هستند (کوربین و اشتراوس، ۲۰۰۸). به عبارتی، این شرایط را مجموعه‌ای از مقوله‌ها به همراه ویژگی‌های‌شان تشکیل می‌دهند و باعث ایجاد و شکل‌گیری پدیده یا مقوله محوری می‌شوند (ابوالحسنی رنجبر و دیگران، ۱۳۹۶). براساس تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های انجام شده، شرایط علی اثرگذار بر پدیده شناسایی مسائل عمومی شامل چهار مقوله و ۲۸ مفهوم که در مجموع چالش‌های ناشی از شناسایی مسائل عمومی می‌باشند، مطابق جدول ۴ هستند.

جدول ۴. مفاهیم و مقوله‌های شرایط علی

مفاهیم	مقوله‌ها	ابعاد
عدم تأمین نیازهای اولیه مردم	حساسیت عمومی نسبت به موضوع	
تأثیر منفی موضوع بر افکار عمومی، رفتار و احساسات مردم		
عدم تعادل واقعی ناشی از انحراف در توزیع منابع		
احساس عدم امنیت عمومی		
کیفیت شواهد مربوط به مسئله		
جریحه‌دار کردن احساسات عمومی		
مجادله، بحث و اختلاف نظر در مورد موضوع		
افزایش تقاضا برای اقدام دولت		
فوریت رسیدگی به مسئله		
نیاز به مداخله دولت		
خسارت‌های جانی و تهدید سلامتی مردم/ شهروندان	هزینه ایجاد شده ناشی از وجود موضوع برای کشور	شرایط علی
خسارت‌های اقتصادی و مالی		
هزینه فرصت قابل ملاحظه تصمیمات اجرایی و سیاسی		
کاهش اعتماد و مشارکت عمومی		
منابع مورد نیاز برای حل مسئله		
میزان تأثیر بر رفع یا حل سایر مسائل	محدوده و قلمرو جغرافیایی درگیر با موضوع	
وسعت جامعه هدف و تعداد افراد درگیر موضوع		
وسعت منطقه جغرافیایی درگیر موضوع		
عموم مردم در یک ناحیه جغرافیایی		
تأثیر عمیق، فراگیر و گسترده موضوع		
سابقه تاریخی موضوع		
نزدیکی ارتباط خط‌مشی‌گذاران با جامعه و میزان هم‌سویی آنها	حوادث غیر مترقبه و بلایای طبیعی	
میزان آگاهی و مطالبه گسترده شهروندان		
بلایای طبیعی و مسائلی که منشاء طبیعی دارند		
اتفاق‌های انسانی پیش‌بینی نشده		
حوادث و موضوعات بحرانی		
تغییرات اکولوژیکی و تکنولوژیکی در محیط	موضوعات زیست محیطی از قبیل آلودگی هوا و بحران کم آبی	
موضوعات زیست محیطی از قبیل آلودگی هوا و بحران کم آبی		

۲) شرایط زمینه‌ای: شرایط خاصی هستند که بر راهبردها اثرگذارند و به مقوله‌های محیطی معروف هستند (کوربین و اشتراوس، ۲۰۰۸) و در کنترل بوروکراسی‌ها نبوده ولی آگاهی از آنها می‌تواند به واکنش مناسب و درک چرایی برخی رویدادهای مرتبط با پدیده اصلی و تعیین راهبردهای مناسب منجر شود

(محمدیان و خدادادبرمی، ۱۳۹۹، ص. ۱۰۰). براساس تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های انجام شده، شرایط زمینه‌ای در این پژوهش شامل شش مقوله و ۲۹ مفهوم است که در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵. مفاهیم و مقوله‌های شرایط زمینه‌ای

مفاهیم	مقوله‌ها	ابعاد
باورها، گرایش‌ها، ارزش‌ها، تجربه‌ها و انگیزه‌های خط‌مشی‌گذاران	جریان‌های فکری و مدل‌های ذهنی خط-مشی‌گذاران	شرایط زمینه‌ای
احساس تعلق به یک ایده یا اعتقاد یا طرز تلقی		
تصمیم‌گیری کاملاً جانبدارانه براساس مصالح همفکران و هم‌حزبی‌ها		
ایجاد تورش‌های فکری در سیاست‌گذاران		
نظریه‌های علمی یا تجربی پذیرفته شده توسط خط‌مشی‌گذاران		
تعبیر و تفسیر متفاوت مسائل توسط متخصصان رشته‌های علمی مختلف	جریان‌های سیاسی و امنیتی	شرایط زمینه‌ای
تهدیدهای نظامی و تروریستی		
وجود اصل تفکیک قوا و تقسیم قدرت تصمیم‌گیری در میان نهادهای گوناگون		
میزان هم‌سویی یا اختلاف دولت و مجلس		
محدودیت‌های سیستم سیاسی و قانونگذاری	شرایط اجتماعی، فرهنگی و مذهبی	شرایط زمینه‌ای
انطباق یا عدم انطباق با ارزش‌های دینی و فرهنگی		
باورهای ملی و مذهبی		
تغییر در ارزش‌های جامعه		
نابرابری و بی‌عدالتی		
مسائلی که منشاء اجتماعی و انسانی دارند	شرایط اقتصادی و فناوری	شرایط زمینه‌ای
موضوعات اجتماعی نامطلوب		
بحران‌های اقتصادی از قبیل تحریم، تورم و بیکاری		
تغییرات ناگهانی نرخ ارز و کاهش ارزش پول ملی	جریان‌های خارجی و بین‌المللی	شرایط زمینه‌ای
میزان سرعت پیشرفت تکنولوژی و فناوری اطلاعات		
موضوعات، مسائل و عواقب فعالیت‌های خارجی و بین‌المللی	جریان‌های سازمانی و اداری	شرایط زمینه‌ای
جهانی شدن		
برنامه‌ها و تصمیمات سازمان‌های بین‌المللی و دولت‌های خارجی		
فساد اداری		
سطوح سازمانی و سلسله مرتب اداری و ارتباط نزدیک خط‌مشی-گذاران با جامعه		
میزان پاسخگویی مدیران بخش عمومی به مردم		
تقسیم‌بندی قدرت تصمیم‌گیری در بین بوروکراسی‌های مختلف		
درگیری دیوانسالاران در مورد مسائل اداری موضوعات عمومی		
تفویض اختیار سازمان‌های خط‌مشی‌گذار به گروه‌های سازمان یافته		
رقابت میان مراکز مختلف تصمیم‌گیری در بوروکراسی‌ها		

۳) عوامل مداخله‌گر: شرایط خاصی هستند که بر راهبردها اثرگذارند و به مقوله‌های واسطه‌ای یا میانجی معروف هستند (کوربین و اشتراوس، ۲۰۰۸) و برخلاف شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر تحت کنترل بوروکراسی‌ها قرار می‌گیرد و بر انتخاب راهبردها مؤثر است. از این رو می‌توانند انتخاب راهبردها یا اجرای اقدام‌ها را تسهیل و تسریع کنند (محمدیان و خدادادبرمی، ۱۳۹۹، ص. ۱۰۲). براساس تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های انجام شده، عوامل مداخله‌گر در این پژوهش شامل پنج مقوله و ۲۲ مفهوم است که در جدول ۶ ارائه شده است.

جدول ۶. مفاهیم و مقوله‌های عوامل مداخله‌گر

مفاهیم	مقوله‌ها	ابعاد
دولت، وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی	قانونگذاران و مجریان دولتی	عوامل مداخله‌گر
نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی		
مسئولان منتخب و مسئولان انتصابی		
اشخاص و نهادهای مذکور در قانون اساسی		
مرکز پژوهش‌ها، کمیسیون‌ها و فراکسیون‌های تخصصی مجلس شورای اسلامی		
قضات دادگستری و دادستان‌ها		
کارگزاران دولت در بوروکراسی‌ها و بوروکرات‌های سطح خپایان		
نخبگان سیاسی و سیاستمداران	بازیگران سیاسی	
احزاب سیاسی		
نامزدهای انتخابات		
شهروندان و افکار عمومی	بازیگران غیردولتی	
گروه‌های ذی‌نفع		
گروه‌های ذی‌نفع		
گروه‌های فشار		
سازمان‌های مردم نهاد		
اصناف و اتحادیه‌های کارگری	رسانه‌های جمعی	
شبکه‌های اجتماعی		
ابزارها و وسایل صوتی و تصویری		
جراید و روزنامه‌ها	دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی	
مؤسسات آموزشی، تحقیقاتی و پژوهشی		
اندیشکده‌ها و پژوهشکده‌ها		
کانون‌های تفکر		

۴) مقوله‌های راهبردی: برای کنترل، اداره و برخورد با پدیده محوری راهبردهایی را ارائه می‌دهند (کوربین و اشتراوس، ۲۰۰۸) و باید به گونه‌ای تنظیم شوند که به شرایط علی، شرایط زمینه‌ای و عوامل مداخله‌گر واکنش درستی نشان دهند (محمدیان و خدادادبرمی، ۱۳۹۹). براساس تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های انجام شده، راهبردها در این پژوهش شامل پنج مقوله و ۱۹ مفهوم است که در جدول ۷ ارائه شده است.

جدول ۷. مفاهیم و مقوله‌های راهبردها

ابعاد	مقوله‌ها	مفاهیم	
راهبردها	پرهیز قانون‌گذاران از رفتارهای تک بعدی، مشکل‌ساز و مسئله‌زا	نگاه سطحی و تک بعدی قانونگذاران به موضوعات	
		نگاه کوتاه‌مدت به حل مسائل	
		پرداختن به مسائل کوتاه‌مدت و گذرا	
	اجرای مدل تصمیم‌گیری پایین به بالا، مشارکت شهروندان و خرد جمعی	رفتارهای نمایشی سیاست‌گذاران و دولتمردان	
		مسائل عمومی می‌توانند توسط عموم مردم شناسایی شوند	
		اقدام گروهی از مردم برای حل مسئله	
	توانمندسازی مدیران و کارگزاران دولتی در حوزه خدمت‌رسانی و بکارگیری نخبگان	ارتباط بیشتر خط‌مشی‌گذاران با شهروندان و عموم جامعه	
		آموزش آکادمیک تصمیم‌گیران برای خدمت‌رسانی و فرآیند آن	
		بازآموزی دولتمردان برای درک مشخص و روشن از مطالبات مردم	
	رصد مداوم مسائل فعلی و نوظهور کشور با نگاه جامع-نگر، سیستمی و حکمرانانه	عدم توانایی مدیران دولتی در مورد شناسایی و رسیدگی به مسائل عمومی	تولید دانش مورد نیاز براساس مسائل عمومی کشور
			یکسان‌سازی و هماهنگی بین منابع اطلاعاتی مردم و خط-مشی‌گذاران برای شناسایی مسائل عمومی
			رویکرد آینده‌پژوهانه به موضوعات و مسائل کشور
			شناسایی مسائل به صورت جامع
			نگاه سیستمی به جای نگاه بخشی
	ایجاد و تشکیل سازمانی مشخص برای شناسایی و اولویت‌بندی مسائل عمومی کشور	تعیین وضع مطلوب پس از حل مسائل عمومی	تأسیس نهاد متولی شناسایی مسائل عمومی
معرفی کنشگرانی که مسائل عمومی را شناسایی می‌کنند			
ایجاد سامانه پیگیری مسائل عمومی کشور			

۵) مقوله‌های پیامدی: نتیجه و حاصل راهبردها در مقابله با پدیده اصلی و یا برای اداره و کنترل آن هستند (کوربین و اشتراوس، ۲۰۰۸) و به نتایج مورد انتظار از

اجرای راهبردها توجه می‌شود (محمدیان و خدادادبرمی، ۱۳۹۹). براساس تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های انجام شده، پیامدها در این پژوهش شامل سه مقوله و ۲۴ مفهوم است که در جدول ۸ ارائه شده است.

جدول ۸. مفاهیم و مقوله‌های پیامدها

مفاهیم	مقوله‌ها	ابعاد
بی‌اعتقادی به اهمیت موضوع و مسئله	کاهش تقاضای عمومی و عدم شناسایی مسئله عمومی	پیامدها
کاهش مطالبه عمومی شهروندان		
عدم مشارکت از سوی عامه مردم		
بروز موضوعات جدید و جلب توجه مردم و قانونگذاران به آنها		
طولانی شدن زمان رسیدگی به شناسایی مسائل عمومی		
عدم توجه قانونگذاران و تصمیم‌گیران به افکار عمومی		
فقدان اتفاق نظر عمومی		
بروز چالش قدرت درباره منافع سازمان یافته		
ضعف اجماع سیاسی و غالب بودن ترجیحات و گرایش‌های حزبی		
ماهیت ذاتی برخی مسائل عمومی که اصلاح ناپذیرند		
ارتکاب خطای شناختی توسط خطمشی‌گذاران		
عدم درک دولت‌مردان از مسائل عمومی و مشکلات		
سوء تفسیر تصمیم‌گیرندگان در خصوص نظرات عمومی		
بروز روابط شخصی بین بازیگران خطمشی‌گذاری		
ضعف برنامه‌ریزی و ملاحظات فنی و مالی		
ناپایداری افکار عمومی و تغییر در اثر اخبار و رسانه‌ها		
پیچیدگی بیشتر مشکلات و مسائل	مسئله عمومی شناسایی شده و ورود مسئله عمومی به دستورکار رسمی	
تعریف جامع و مانع از مسئله عمومی		
اقدام به شناسایی عناصر و اجزاء تشکیل دهنده مسئله عمومی		
اولویت‌بندی مسائل عمومی		
مشخص کردن الگوی رفتاری مسئله عمومی		
شکل‌دهی به دستورکار و خطمشی		
تدوین دستورکار		
تعیین سازمان متولی حل مسئله عمومی		

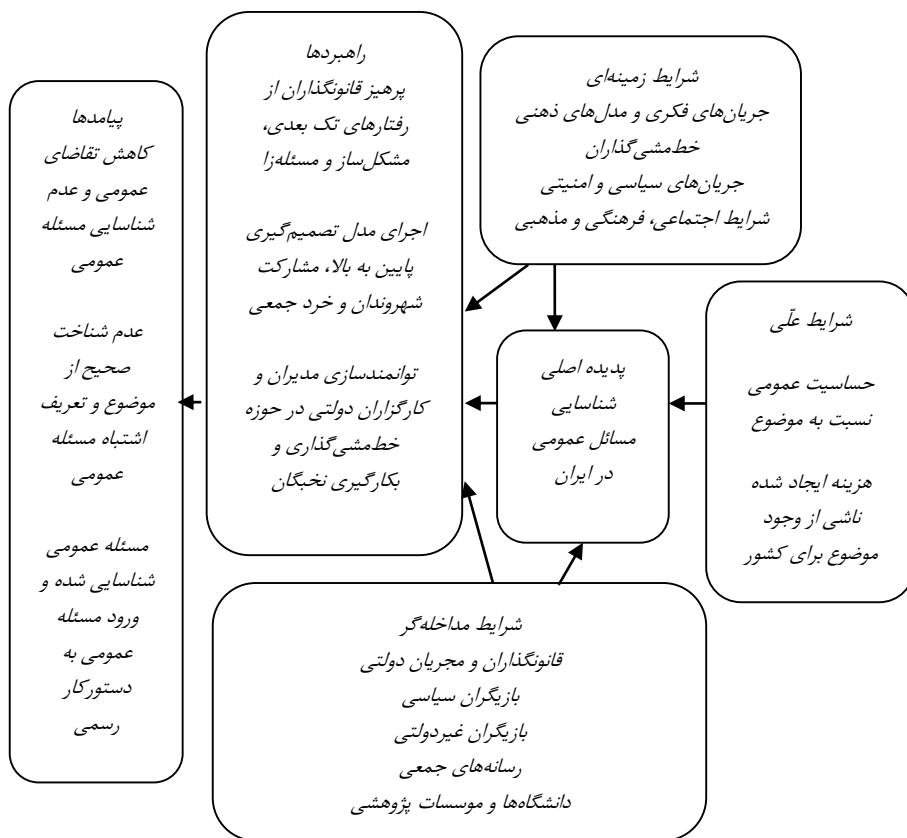
۴-۱- گزاره‌های حکمی (قضایای) پژوهش

در مرحله کدگذاری انتخابی، فرآیند یکپارچه‌سازی و بهبود مقوله‌ها انجام گرفت و براساس مقوله‌ها و ابعاد مرحله کدگذاری محوری، قضایای ذیل بدست آمده است:

قضیه ۱: مقوله‌های حساسیت عمومی نسبت به موضوع، هزینه ایجاد شده ناشی از وجود موضوع برای کشور، محدوده و قلمرو جغرافیایی درگیر با موضوع، و حوادث

غیرمترقبه و بلایای طبیعی، شرایط علی برای ایجاد و شناسایی مسائل عمومی در ایران محسوب می‌شوند.

قضیه ۲: فضای عمومی نظام خط‌مشی‌گذاری ایران شامل جریان‌های فکری و مدل‌های ذهنی خط‌مشی‌گذاران، جریان‌های سیاسی و امنیتی، شرایط اجتماعی، فرهنگی و مذهبی، شرایط اقتصادی و فناوری، جریان‌های خارجی و بین‌المللی، و جریان‌های سازمانی و اداری، زمینه و بستری خاص را برای شناسایی مسائل عمومی در ایران فراهم می‌آورند.



نمودار ۱. الگوی داده‌بنیاد شناسایی مسائل عمومی در ایران

قضیه ۳: قانونگذاران و مجریان دولتی، بازیگران سیاسی، بازیگران غیردولتی، رسانه‌های جمعی، و دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی به عنوان عوامل مداخله‌گر بر شناسایی مسائل عمومی در ایران تأثیرگذارند.

قضیه ۴: پرهیز قانونگذاران از رفتارهای تک بعدی، مشکل‌ساز و مسئله‌زا، اجرای مدل تصمیم‌گیری پایین به بالا، مشارکت شهروندان و خرد جمعی، توانمندسازی مدیران و کارگزاران دولتی در حوزه خط‌مشی‌گذاری و بکارگیری نخبگان، رصد مداوم مسائل فعلی و نوظهور کشور با نگاه جامع‌نگر، سیستمی و حکمرانانه، و ایجاد و تشکیل سازمانی مشخص برای شناسایی و اولویت‌بندی مسائل عمومی کشور، راهبردهای اصلی برای شناسایی مسائل عمومی در ایران می‌باشند.

قضیه ۵: با توجه به شرایط زمینه‌ای و عوامل مداخله‌گر، اجرای راهبردها، پیامدهای شناسایی مسائل عمومی در ایران شامل: کاهش تقاضای عمومی و عدم شناسایی مسئله عمومی، عدم شناخت صحیح از موضوع و تعریف اشتباه مسئله عمومی، و مسئله عمومی شناسایی شده و ورود به دستورکار رسمی را در پی خواهد داشت.

۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در عصر سیستم‌ها و پیچیدگی‌های محیطی و شرایط متغیر، ارائه یک شیوه و الگوی خاص برای شناسایی مسائل عمومی که کارا و اثربخش باشد، غیرعملی است. لذا باید از مطلق‌گرایی پرهیز کرد و به دنبال الگوهایی بود که در مقابل شرایط متغیر امروز بتوانند با انعطاف‌پذیری کافی، به ناهای خط‌مشی‌گذاران پاسخی مناسب و درخور بدهند. پورعزت و هاشمی (۱۳۹۶) عقیده دارند شناسایی مسائل عمومی، پدیده‌ای گسترده و وسیع است که معلول شرایط فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است و محدود کردن آن در یک حیطه و حوزه‌ی خاص، برخورد مؤثر با آن را خدشه‌دار می‌سازد.

مسائل به طرق مختلف مورد توجه دولت و خط‌مشی‌گذاران قرار می‌گیرد و گاهاً خط‌مشی‌گذاران در فضای پیچیده سیستم‌های اجتماعی و تحولات پی‌درپی از تمرکز بر مسئله طفره می‌روند (پورعزت و هاشمی، ۱۳۹۶) و مسئله بدرستی انتخاب نمی‌شود، لذا بخش قابل توجهی از منابع ملی تلف می‌شود (سلیمانی خوئینی و دیگران، ۱۳۹۸) و این ضعف در شناسایی مسائل عمومی موجب ناکارآمدی

خط‌مشی‌های دولت می‌شود (پورعزت و هاشمی، ۱۳۹۶). مرحله شناخت مسئله عمومی که شامل فعالیت‌های عمومی سازی مسئله و ایجاد درخواست از دولت برای رسیدگی به این مسائل است، توسط کنشگران مختلفی شناسایی می‌شود. اما این سازوکار به دو صورت مطرح می‌شود، مدلی که در متون علمی و آکادمی وجود دارد از پایین به بالا بودن شناسایی مسائل عمومی حکایت دارد؛ اما آنچه واقعیت دارد، بالا به پایین بودن این فرآیند است (حسینی، ۱۳۹۹). به نقل از سلیمانی خوئینی و دیگران، (۱۳۹۸) مدل‌های گوناگون، روش‌های متفاوتی را برای شناسایی مسئله عمومی، ارائه می‌دهند. در مدل نخبگان، مسئله عمومی حاصل ترجیح نخبگان است؛ در مدل تعادل حاصل از ستیزه‌های گروهی، مروده و ستیز گروه‌های معارض، مسئله عمومی را شکل می‌دهد؛ در مدل اصلاح تدریجی، مسئله امروز، مسائل حل نشده گذشته است و در مدل انتخاب عمومی، مسئله عمومی به عمل ابداعی و عمل متقابل مجموعه بازیگران بستگی دارد.

گیوریان و ربیعی مندجین (۱۳۹۴) بیان می‌کنند خط‌مشی‌گذاران به طور کامل عقلایی نیستند و تصمیم‌هایی بر مبنای اطلاعات کامل اتخاذ نمی‌کنند و قبل از اتخاذ تصمیم، به ارزیابی همه بدیل‌های ممکن نمی‌پردازند و بر نشانه‌ها، ابتکار عمل‌ها، بستر نهادی و آنچه هنگام اتخاذ تصمیم‌ها مناسب است متکی هستند. در همین امتداد، پورعزت و دیگران (۱۳۹۲) معتقدند نمی‌توان توقع داشت که خط‌مشی‌گذاران به منزله انسان‌هایی با عقلانیت محدود، از میان انبوهی از مسائل اجتماعی، با وجود بازیگران و ذینفعان متعدد درگیر در آن، بتوانند بر مسائل عمومی اصلی متمرکز شوند. در واقع الگوهای ذهنی خط‌مشی‌گذاران، از جمله عواملی هستند که آنها را به سمت جریان‌های فکری حول مسائل عمومی هدایت می‌کند. بدین ترتیب می‌توان دریافت که چرا گاهی خط‌مشی‌گذاران ناخودآگاه و ناگزیر، مسائل واقعی جامعه را رها کرده و به مسائلی که تصور می‌کنند مهم است می‌پردازند.

وجود نظام شناسایی مسائل عمومی در کشور می‌تواند از نقاط قوت عرصه خط‌مشی‌گذاری عمومی به شمار رود. این امر موجب می‌گردد که منابع کشور به صورت اصولی و علمی به یک موضوع اختصاص یابد. در حقیقت خط‌مشی‌گذاران در هنگام مواجهه با یک مسئله دقیقاً از این مطلب اطلاع دارند که مسئله عمومی چیست، راهکارهای آن باید چه نکاتی را مدنظر قرار دهد و اینکه وضع مطلوب پس از حل مسئله چیست و چه نتایجی را باید به همراه داشته باشد. در واقع دولت‌مردان باید با

مسیر واضح و روشنی در رسیدگی به مسائل عمومی مواجه باشند که آنها را از دوباره کاری و موازی کاری رها سازد. شناخت مسائل عمومی، یکی از ارکان خط‌مشی‌گذاری عمومی است که به خط‌مشی‌گذاران در انتخاب راهبرد خط‌مشی‌گذاری، بیشترین کمک را می‌کند. براساس الگوی داده‌بنیاد باید با شناخت عوامل علی و مداخله‌گر و احاطه کامل به شرایط زمینه‌ای، راهبرد مناسب را انتخاب کرد و به خط‌مشی‌گذاری اقدام نمود. مزیت پژوهش حاضر در مقایسه با دیگر پژوهش‌های مشابه در این است که الگو ارائه شده در این پژوهش الگویی داده‌بنیاد و جامع است که هم‌زمان کوشیده است به اکثر مؤلفه‌های مؤثر بر فرآیند شناسایی مسائل عمومی توجه کند و از این رو توانسته گامی هر چند کوچک در پیوند نظریه و عمل فرآیند شناسایی مسائل عمومی بردارد. وجه تمایز الگو ارائه شده در این پژوهش نسبت به چارچوب‌های موجود در زمینه فرآیند شناسایی مسائل عمومی، این است که در چارچوب‌های موجود به طور عمده فقط به فرآیند خط‌مشی‌گذاری توجه شده، در حالی که در پژوهش حاضر، علاوه بر توجه به فرآیند شناسایی مسائل عمومی، به عوامل تأثیرگذار بر این فرآیند نیز تأکید شده است. این الگو با نتایج تحقیقات حسینی (۱۳۹۹)، سلیمانی خوئینی و دیگران (۱۳۹۸)، پورعزت و هاشمی (۱۳۹۶)، فقیهی و کاوه (۱۳۹۵) و پورعزت و دیگران (۱۳۹۲) مشابهت دارد. همچنین الگوی ارائه شده در این پژوهش با مدل‌های ایشولا و دیگران (۲۰۱۹)، ون‌آلست (۲۰۱۹)، دانشگاه میشیگان (۲۰۱۸)، داووز (۲۰۱۵) و بیکن و همکاران (۱۹۸۱) سازگاری دارد.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد مقوله‌های حساسیت عمومی نسبت به موضوع، هزینه ایجاد شده ناشی از وجود موضوع برای کشور، محدوده و قلمرو جغرافیایی درگیر با موضوع، و حوادث غیرمترقبه و بلایای طبیعی، شرایط علی برای ایجاد و شناسایی مسائل عمومی در ایران محسوب می‌شوند. فضای عمومی نظام خط‌مشی‌گذاری ایران شامل جریان‌های فکری و مدل‌های ذهنی خط‌مشی‌گذاران، جریان‌های سیاسی و امنیتی، شرایط اجتماعی، فرهنگی و مذهبی، شرایط اقتصادی و فناوری، جریان‌های خارجی و بین‌المللی، و جریان‌های سازمانی و اداری، زمینه و بستری خاص را برای شناسایی مسائل عمومی در ایران فراهم می‌آورند. قانونگذاران و مجریان دولتی، بازیگران سیاسی، بازیگران غیردولتی، رسانه‌های جمعی، و دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی به عنوان عوامل مداخله‌گر بر شناسایی مسائل عمومی در ایران تأثیرگذارند. همچنین نتایج پژوهش نشان می‌دهد پرهیز قانون‌گذاران از رفتارهای تک بعدی، مشکل ساز و مسئله‌زا، اجرای مدل تصمیم‌گیری پایین به بالا، مشارکت

شهروندان و خرد جمعی، توانمندسازی مدیران و کارگزاران دولتی در حوزه خط‌مشی‌گذاری و بکارگیری نخبگان، رصد مداوم مسائل فعلی و نوظهور کشور با نگاه جامع‌نگر، سیستمی و حکمرانانه، و ایجاد و تشکیل سازمانی مشخص برای شناسایی و اولویت‌بندی مسائل عمومی کشور، راهبردهای اصلی برای شناسایی مسائل عمومی در ایران می‌باشند. همچنین با توجه به شرایط زمینه‌ای و عوامل مداخله‌گر، اجرای راهبردها، پیامدهای شناسایی مسائل عمومی در ایران شامل: کاهش تقاضای عمومی و عدم شناسایی مسئله عمومی، عدم شناخت صحیح از موضوع و تعریف اشتباه مسئله عمومی، و مسئله عمومی شناسایی شده و ورود مسئله عمومی به دستورکار رسمی را در پی خواهد داشت.

براساس یافته‌های پژوهش، پیشنهاد می‌شود در بررسی‌های مسائل عمومی کشور، صرفاً از روش‌های خبرگانی استفاده نشود بلکه مردم به عنوان خاستگاه ایجاد تقاضای عمومی مورد توجه قرار بگیرند. راهبرد مسئله‌یابی از طریق بوروکراسی‌ها تقویت گردد و توانمندسازی مدیران و کارگزاران دولتی در حوزه خط‌مشی‌گذاری و بکارگیری نخبگان در دستورکار قرار گیرد و مسائل فعلی و نوظهور کشور با نگاه جامع‌نگر، سیستمی و حکمرانانه به طور مداوم پیگیری و رصد شود. پیشنهاد می‌شود رویکرد لاک‌پشتی-خرگوشی^۴ در تبیین و شناسایی مسائل عمومی بکارگیری شود؛ تشخیص صحیح این امر که در چه حوزه‌هایی می‌توان مسائل عمومی را با سرعت سریع شناسایی کرد (با هزینه کم در قالب انحراف جزئی از مسیر بهینه بلندمدت) و در چه حوزه‌هایی لازم است مسائل عمومی با تغییرات جزئی و با دقت و احتیاط زیاد شناسایی گردد، اهمیت ویژه‌ای دارد. پیشنهاد می‌شود دولت با حمایت از بازیگران سیاسی، بازیگران غیردولتی، رسانه‌ها و دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی به افزایش مشارکت آنها کمک کند و رقابت شدیدی بین آنها به منظور ارائه ایده در خصوص شناسایی مسائل عمومی ایجاد کند. همچنین پیشنهاد می‌شود خط‌مشی‌گذاران و قانونگذاران از رفتارهای تک بعدی، مشکل‌ساز و مسئله‌زا پرهیز کنند. مدل تصمیم‌گیری پایین به بالا با مشارکت شهروندان و خرد جمعی اجرا و عملیاتی شود.

^۴Torto-Hare

سازمانی مشخص برای شناسایی و اولویت‌بندی مسائل عمومی کشور در ذیل ساختار وزارت کشور ایجاد و تشکیل گردد. این سازمان می‌تواند با انباشت دانشی قابل توجه که در طی سالیان طولانی شکل گرفته و خواهد گرفت، مسائل جاری و آینده‌ی کشور را تشخیص دهد که در برنامه‌ریزی‌های استراتژیک و بلندمدت کشور بسیار مؤثر است. در واقع کشور در زمینه‌ی مسائل داخلی و خارجی، فارغ از اینکه چه حزبی سکان امور را در دست دارد، می‌داند که در کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت دقیقاً به دنبال چه اهدافی است و آن را پیش‌روی خود قرار می‌دهد و تحقق آن را پیگیری می‌نماید. لذا وجود یک ساختار و نظام شناسایی مسائل از نکات مهمی است که کشور باید از آن بهره‌مند باشد.

منابع

- ابوالحسنی رنجبر، احمد، دانش فرد، کرم‌الله، و فقیهی، ابوالحسن. (۱۳۹۶). ارائه الگوی دستورکار خط‌مشی‌های اصلاح نظام اداری در ایران. فصلنامه مدیریت دولتی، ۹(۴)، ۶۱۵-۶۴۰.
- ابوالحسنی رنجبر، احمد، دانش فرد، کرم‌الله، و فقیهی، ابوالحسن. (۱۳۹۷). الگوی نظری خط‌مشی‌گذاری برای اصلاح نظام اداری در جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر روش داده‌بنیاد. فصلنامه راهبرد، ۲۷(۸۹)، ۱۵۱-۱۷۶.
- ابوالمعالی، فاطمه‌السادات، دانش فرد، کرم‌الله، و پورعزت، علی‌اصغر. (۱۳۹۹). الگویی برای شناسایی پیش‌ران‌های کاربست مدل حکومت باز در دستگاه‌های اجرایی ایران (مورد مطالعه: وزارت کشور). فصلنامه مدیریت دولتی، ۱۲(۱)، ۱۴۵-۱۷۴.
- اسدی فرد، رویا، فانی، علی‌اصغر، آذر، عادل، و الوانی، مهدی. (۱۳۹۵). مدل تجزیه و تحلیل خط‌مشی عمومی در ایران. فصلنامه مدیریت دولتی، ۸(۲)، ۲۷۶-۲۵۵.
- الوانی، مهدی. (۱۳۹۵). تصمیم‌گیری و تعیین خط‌مشی دولتی. تهران: انتشارات سمت.
- الوانی، مهدی، و شریف‌زاده، فتاح. (۱۳۹۴). فرآیند خط‌مشی‌گذاری عمومی. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- الوانی، مهدی، آذر، عادل، و دانایی فرد، حسن. (۱۳۹۰). روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع. تهران: انتشارات اشراقی.
- باقری، عبدالرضا، و پیشگاه‌هادیان، حمید. (۱۳۹۸). الگوی مطلوب مسئله‌یابی در فرآیند سیاست‌گذاری شورای عالی امنیت ملی ج.ا.ایران. فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی و امنیتی، ۸(۳۰)، ۶۷-۱۱۴.
- برخوردار، یاسر. (۱۳۹۹). کاربست راهبرد مدارای سیاسی در الگوی حکمرانی نظام جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه شهید مطهری. فصلنامه راهبرد، ۲۹(۹۵)، ۲۹-۵۲.

- بهمنی، ابراهیم، تیموری، هادی، مشرف جوادی، محمدحسین، و ربانی خورا سگانی، علی. (۱۳۹۹). تبیین مولفه‌های رهبری اثربخش سازمان‌های نظامی ایران با استفاده از نظریه داده‌بنیاد. فصلنامه راهبرد، ۲۹(۹۵)، ۵-۲۸.
- پورعزت، علی‌اصغر، و هاشمی‌کاسوایی، مینا. (۱۳۹۶). مسئله عمومی چالش آغازین خط‌مشی‌گذاری دولتی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- پورعزت، علی‌اصغر، بیگدلی، سکینه، و سعیدآبادی، علی‌اصغر. (۱۳۹۲). اولویت‌بندی مسائل در تدوین دستور کار برای خط‌مشی‌گذاری عمومی. فصلنامه علمی پژوهشی دانش سیاسی، ۹(۲)، ۵-۲۸.
- تسلیمی، محمدسعید، نوروزی، خلیل، عبدالحسین‌زاده، محمد، و جوادی، مجتبی. (۱۳۹۵). مدل پارادایمی نهادهای کلان واسطه علم و فناوری کشور (مطالعه موردی: معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری دولت دهم). فصلنامه راهبرد، ۲۵(۷۹)، ۵-۲۸.
- حسنی، مهیار. (۱۳۹۹). مطالعه تطبیقی و ارائه ساز و کار شناسایی مسائل عمومی. دانش‌گاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی، مدرسه حکمرانی شهیدبهبشتی (ره)، گروه ساختار و مدیریت.
- حکاک، محمد، و آزادی، محمدحسین. (۱۳۹۹). ناکامی سازمانی و رهبری مصلح: نظریه داده بنیاد. فصلنامه مدیریت دولتی، ۱۲(۱)، ۳۱۴-۳۴۵.
- دانایی‌فرد، حسن. (۱۳۸۸). روش شناسی تدوین خط‌مشی ملی کارآفرینی کشور: چارچوبی مفهومی. فصلنامه توسعه کارآفرینی، ۲(۶)، ۱۲۵-۱۵۵.
- دانش‌فرد، کرم‌الله. (۱۳۹۳). فرآیند خط‌مشی‌گذاری عمومی. تهران: انتشارات صفار.
- رضوانی‌نژاد، سیدامین، و ملک‌محمدی، حمیدرضا. (۱۳۹۷). درآمدی تحلیلی بر مسئله شناسی در سیاست‌گذاری امنیتی. مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، ۸(۲۷)، ۲۷۹-۲۹۶.
- سلیمانی‌خوئینی، مهدی، دانش‌فرد، کرم‌الله، و نجف‌بیگی، رضا. (۱۳۹۸). الگوی اقتضایی شناسایی مسائل عمومی در فرآیند خط‌مشی‌گذاری ایران با تأکید بر عوامل پیش‌ران. فصلنامه مدیریت دولتی، ۱۱(۴)، ۵۳۰-۵۶۶.
- شیخ‌پور، مهدیه، و سلاجقه، سنجر. (۱۳۹۶). وضعیت مسئله‌یابی رسمی و میزان اجرای خط‌مشی‌های عمومی (مورد مطالعه: وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی). فصلنامه رسالت مدیریت دولتی، ۸(۲۷)، ۵۱-۶۳.

- عباسی، حمیده، و دانش فرد، کرم‌الله. (۱۴۰۰). الگوی مشارکت شهروندان در مرحله اول خط‌مشی‌گذاری عمومی (شنا سایی مسائل عمومی). *فصلنامه علمی مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی*، ۱۱ (۴۲)، ۵۵-۷۷.
- فقیهی، مهدی، و کاوه، کامیار. (۱۳۹۴). تشخیص مسئله عمومی؛ بررسی با رویکردی تطبیقی. *نخستین کنفرانس ملی مدیریت دولتی ایران*. تهران: دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
- قلی‌پور، رحمت‌اله. (۱۳۸۹). *فرآیند خط‌مشی‌گذاری عمومی در ایران*. تهران: مرکز تحقیقات مجلس شورای اسلامی.
- قلی‌پور، رحمت‌اله، درویش‌زاده، محمدمهدی، و پیران‌نژاد، علی. (۱۳۹۸). بررسی روش‌ها، منابع‌ها و مانع‌های دستیابی به درآمد پایدار شهری (مطالعه موردی: شهرداری ارومیه). *فصلنامه مدیریت دولتی*، ۱۱ (۱)، ۱۵۱-۱۷۸.
- گیوریان، حسن، و ربیعی‌مندجین، محمدرضا. (۱۳۹۴). *تصمیم‌گیری و تعیین خط‌مشی دولتی*. تهران: انتشارات یکان.
- محمدیان، ایوب، و خدادادبرمی، مریم. (۱۳۹۹). تبیین فرایند شکل‌گیری قابلیت شبکه‌ای در سازمان‌های دولتی فعال در پنجره واحد تجاری ایران با استفاده از نظریه داده بنیاد. *فصلنامه مدیریت دولتی*، ۱۲ (۱)، ۸۸-۱۱۹.
- معمارزاده، غلامرضا، و شکری، نرجس. (۱۳۸۵). ارائه مدل پویا برای اجرای خط‌مشی‌های عمومی. *فصلنامه پژوهشگر*، ۳ (۸)، ۲-۱۴.
- مقیمی، سیدمحمد، پورعزت، علی‌اصغر، دانایی‌فرد، حسن، و احمدی، حیدر. (۱۳۹۵). طراحی و تبیین مدل بودجه‌بندی براساس شاخص‌های حکمرانی خوب در ایران. *فصلنامه مدیریت دولتی*، ۴ (۸)، ۶۴۵-۶۶۴.
- میری، سیدمهدی، خسروپناه، عبدالحسین، حمیدی‌زاده، علی، اخوان‌علوی، سیدحسین، و رحمتی، محمدحسین. (۱۳۹۷). در تکاپوی یکپارچگی در نظام خط‌مشی‌گذاری عمومی: الگوی پیکره واحد حکمرانی و خط‌مشی عمومی. *فصلنامه راهبرد*، ۲۷ (۸۶)، ۱۵۹-۱۹۲.
- Aliyu, M., Ikedinma, H., & Alabi, W. (2018). Impact of public opinion on public policy in South West, Nigeria. *Journal of Arts & Humanities*, 7(7), 12-22.

- Anderson, J. (2011). *Public policymaking*. (7th edition), USA: Texas A&M University Press.
- Chandrasegaran, S., Badam, S., Kisselburgh, L., Ramani, K., & Elmqvist, N. (2017). Integrating Visual Analytics Support for Grounded Theory Practice in Qualitative Text Analysis. *Eurographics Conference on Visualization (EuroVis)*, 36(3), 201-212.
- Corbin, J., & Strauss, A. (2008). *Basics of qualitative research*. Los Angeles: Sage, 3rd. ed.
- Downs, A. (2016). Up and Down with Ecology: The Issue-Attention Cycle. In D. Protess, & M. McCombs, *Agenda Setting: Reading on Media, Public Opinion, and Policymaking* (pp. 27-34). routledge.
- Dye, T. (2005). *Understanding Public Policy*. New Jersey: Upper Saddle River, Fearson Education Prentice-Hall, Inc.
- Eneanya, A. (2016). *Theory and practice of public administration*. Ibadan: University Press.
- Fasipe, O. (2015). *Public policy process – An overview*. Accessed on the 15th of February, 2018, from <https://www.linkedin.com/pulse/public-policy-overview>.
- Flint, D., Woodruff, R., & Gardial, S. (2002). Exploring the Phenomenon of Customers' Desired Value Change in a Business-to-Business Context. *Journal of Marketing*, 66(4), 102-117. <https://doi.org/10.1509/jmkg.66.4.102.18517>
- Glaser, B., & Strauss, A. (2017). *The Discovery of Grounded Theory*. Routledge. <https://doi.org/10.4324/9780203793206>
- Hardee, K., Feranil, I., Boezwinkle, J., & Clark, B. (2004). *The policy circle*. London: Policy working paper series, no. 11.
- Heywood, A. (2007). *Politics*. England: Palgrave Macmillan publishers Ltd. (3rd edition).
- Ishola, A., Nwogwugwu, N., Nwaodike, C., & Ogu, M. (2019). Legislators Role in Problem Identification and Agenda Setting in Public Policy Process in Nigeria. *International Journal of Advanced Research*, 7(3), 458-466. <https://doi.org/10.21474/IJAR01/8657>
- Kingdom, J. (2003). *Agendas, Alternatives and Public Policies*. New York: Longman, Second edition.
- Laufer, D. (2006). *A Practical Process Guide to Issues Management*. Public Affairs Council, Washington, DC. www.pac.org/CPAM.
- Menon, M. (2014). *Public Policy and Administration*. New Delhi, India: Wisdom press.
- Michigan Studies. (2018). *Public Issues Facing Michigan Citizens*. Michigan university, <http://www.eupschools.org/page/1359>.
- Mintrom, M. (2019). *Public Policy, Investing for a better world*. USA: Oxford University Press.
- PierceJaques, A. (2008). *Refocusing Issue Management, Bridging academic and practitioner perspectives*. A thesis submitted in fulfillment of the

requirements for the degree of Doctor of Philosophy, Melbourne: School of Applied Communication RMIT University.

- Popoola, O. (2016). Actors in Decision Making and Policy Process. *Global Journal of Interdisciplinary Social Sciences*, 5(1), 47-51.
- VanAelst, P. (2019). *Journalists and Public Policy*. The International Encyclopedia of Journalism Studies. <https://doi.org/10.1002/9781118841570.iejs0054>.

References

- Abbasi, H., & Daneshfard, K. (2020). The Pattern of Citizen Participation in the First Stage of Public Policy (Identification of public Issues). *Quarterly Journal of Interdisciplinary Studies on Strategic Knowledge*, 11(42), 247-270. (in Persian).
- Aboalmaali, F., Daneshfard, K., & Pourezat, A. (2020). A Pattern to Recognition of Triggering Element of Open Government Implementation in Iran's Public Organizations (Case Study: Ministry of Interior). *Journal of Public Administration*, 12(1), 145-174. (in persian).
- Abolhasani ranjbar, A., Daneshfard, K., & Faghihi, A. (2018). Theoretical Model of Policy Making for the Reform of the Administrative System in Iran, Based on Grounded Theory. *The Scientific Journal of Strategy*, 27(4), 151-176. (in Persian).
- Abolhasaniranjbar, A., Daneshfard, K., & Faghihi, A. (2018). An Agenda Setting for the Reformation Policies of Administrative System in Iran. *Journal of Public Administration*, 9(4), 615-640. (in Persian).
- Aliyu, M., Ikedinma, H., & Alabi, W. (2018). Impact of public opinion on public policy in South West, Nigeria. *Journal of Arts & Humanities*, 7(7), 12-22.
- Alvani, M. (2016). *Decision Making and Determine Government Policy*. Tehran: Samt Press. (in persian).
- Alvani, M., & Sharifzadeh, F. (2015). *Public Policy-Making Process*. Tehran: Allameh Tabatabai University Press. (in persian).
- Alvani, M., Azar, A., & Danaeefard, H. (2011). *Qualitative Research Methodology in Management: A Comprehensive Approach*. Tehran: Eshraghi Press. (in persian).
- Anderson, J. (2011). *Public policymaking*. (7th edition), USA: Texas A&M University Press.
- Asadifard, R., Fani, A., Azar, A., & Alvani, M. (2016). Public Policy Analysis Model in Iran. *Journal of Public Administration*, 8(2), 255-276. (in Persian). <https://doi.org/10.22059/JIPA.2016.59879>
- Bagheri, A., & PishgahHadian, H. (2020). The optimal pattern of problem finding in the policy-making process of the high council of the national

security of the Islamic Republic of Iran. *Protective & Security Researches*, 8(30), 67-114. (in persian).

- Bahmani, E., Teimouri, H., Mosharaf-Javadi, M.-H., & Rabbani Khorsagani, A. (2020). The Components of Effective Leadership in Military Organizations of Iran: A Grounded Theory Study. *The Scientific Journal of Strategy*, 29(2), 5-29. (in Persian).
- Barkhordari, Y. (2020). Implementation of Political tolerance Strategy in the Governance Model of the Islamic Republic of Iran from the Perspective of Shahid Motahari. *The Scientific Journal of strategy*, 20(2), 31-55. (in persian).
- Chandrasegaran, S., Badam, S., Kisselburgh, L., Ramani, K., & Elmqvist, N. (2017). Integrating Visual Analytics Support for Grounded Theory Practice in Qualitative Text Analysis. *Eurographics Conference on Visualization (EuroVis)*, 36(3), 201-212.
- Corbin, J., & Strauss, A. (2008). *Basics of qualitative research*. Los Angeles: Sage, 3rd. ed.
- Danaeefard, H. (2010). Methodology of Developing National Entrepreneurship Policy: A Conceptual Framework. *Journal of Entrepreneurship Development*, 2(4), 125-155. (in persian).
- Daneshfard, K. (2016). *Public Policy-Making Process*. Tehran: Saffar Press, (in persian).
- Downs, A. (2016). Up and Down with Ecology: The Issue-Attention Cycle. In D. Protesse, & M. McCombs, *Agenda Setting: Reading on Media, Public Opinion, and Policymaking* (pp. 27-34). routledge.
- Dye, T. (2005). *Understanding Public Policy*. New Jersey: Upper Saddle River, Fearson Education Prentice-Hall, Inc.
- Eneanya, A. (2016). *Theory and practice of public administration*. Ibadan: University Press.
- Faghihi, M., & Kaveh, K. (2016). Public Issue Recognition; A Comparative Approach. Tehran: First National Conference on Iranian Public Administration, School of Management, University of Tehran. (in Persian).
- Fasipe, O. (2015). *Public policy process – An overview*. Accessed on the 15th of February, 2018, from <https://www.linkedin.com/pulse/public-policy-overview>.
- Flint, D., Woodruff, R., & Gardial, S. (2002). Exploring the Phenomenon of Customers' Desired Value Change in a Business-to-Business Context. *Journal of Marketing*, 66(4), 102-117. <https://doi.org/10.1509/jmkg.66.4.102.18517>
- Gholipour, R., Darvishzadeh, M., & Pirannejad, A. (2019). Identification of the Methods, Resources and Barriers of Achieving Sustainable Urban Income (Case Study: Urmia Municipality). *Journal of Public Administration*, 11(1), 151-178. (in Persian).
- Gholipour, R. (2010). *The Public Policy Process in Iran*. Tehran: Majlis Islamic Studies Center. (in Persian).

- Givaryan, H., & RabeeMandejin, M. (2015). *Decision Making and Determine Government Policy*. Tehran: yekan Press. (in persian).
- Glaser, B., & Strauss, A. (2017). *The Discovery of Grounded Theory*. Routledge. <https://doi.org/10.4324/9780203793206>
- Hakkak, M., & Azadi, M. (2020). Organizational Failure and Corrective Leadership: Grounded Theory. *Journal of Public Administration*, 12(2), 314-345. (in Persian).
- Hardee, K., Feranil, I., Boezwinkle, J., & Clark, B. (2004). *The policy circle*. London: Policy working paper series, no. 11.
- Hassani, M. (2020). *Comparative study and presentation of a mechanism for identifying public issues*. Shahid Beheshti Governing School, Structure and Management Group. (in Persian).
- Heywood, A. (2007). *Politics*. England: Palgrave Macmillan publishers Ltd. (3rd edition).
- Ishola, A., Nwogwugwu, N., Nwaodike, C., & Ogu, M. (2019). Legislators Role in Problem Identification and Agenda Setting in Public Policy Process in Nigeria. *International Journal of Advanced Research*, 7(3), 458-466. <https://doi.org/10.21474/IJAR01/8657>
- Kingdom, J. (2003). *Agendas, Alternatives and Public Policies*. New York: Longman, Second edition.
- Laufer, D. (2006). *A Practical Process Guide to Issues Management*. Public Affairs Council, Washington, DC. www.pac.org/CPAM.
- Memarzadehtehran, G., & Shokri, N. (2006). A Dynamic Model for Implementing Public Policies. *Journal of Pajoheshgar*, 3(8), 2-14. (in persian).
- Menon, M. (2014). *Public Policy and Administration*. New Delhi, India: Wisdom press.
- Michigan Studies. (2018). *Public Issues Facing Michigan Citizens*. Michigan university, <http://www.eupschools.org/page/1359>.
- Mintrom, M. (2019). *Public Policy, Investing for a better world*. USA: Oxford University Press.
- Miri, S., Khosronia, A., Hamidzadeh, A., AkhavanAlavi, S., & Rahmati, M. (2018). Toward Integration in the Public Policy Making: the Unique Body of Governance and Public Policy. *The Scientific Journal of Strategy*, 27(1), 159-192. (in Persian).
- Moghimi, M., Pourezzat, A., Danaeifard, H., & Ahmadi, H. (2017). Design and Explain the Budgeting model based on Indices of Good Governance in Iran. *Journal of Public Administration*, 8(4), 645-664. (in Persian).
- Mohammadian, A., & Khodadad Beromy, M. (2020). Explaining the Process of Forming a Network Capability in Governmental Organizations in the Case of Iran Single Window for Trade Using Grounded Theory. *Journal of Public Administration*, 12(1), 88-119. (in Persian).

- PierceJaques, A. (2008). *Refocusing Issue Management, Bridging academic and practitioner perspectives*. A thesis submitted in fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy, Melbourne: School of Applied Communication RMIT University.
- Popoola, O. (2016). Actors in Decision Making and Policy Process. *Global Journal of Interdisciplinary Social Sciences*, 5(1), 47-51.
- Pourezzat, A., & HashemiKasvaie, M. (2017). *Public Problem: The First Challenge of Public Policy Making*. Tehran: University of Tehran Press. (in persian).
- Pourezzat, A., Bigdeli, S., & Sadabadi, A. (2013). The Prioritizing of Problems in The Agenda-Setting Stage of Public Policies. *Journal of Political Knowledge*, 9(2), 5-28. (in Persian).
- Razavinejad, S., & Malekmohamadi, H. (2018). Analysys of Problem Defining in Security Policy-Making. *Journal Strategic Studies of Public Policy*, 8(27), 279-296. (in Persian).
- Sheikhpour, M., & Salajeghe, S. (2017). Investigation of the Situation of Formal Problem Finding and the Level of Public Policy Performance in the Ministry of Cooperatives, Labour and Social Welfare. *Iranian Journal of Public Administration Mission*, 8(3), 51-63. (in persian).
- SoleymaniKhoeini, M., Daneshfard, K., & Najafbeygi, R. (2019). Contingency Model for Identifying Public Issues in Iran's Policy-Making Process with an Emphasis on Triggering. *Journal of Public Administration*, 11(4), 530-556. (in Persian).
- Taslimi, M., Norozi, K., Abdolhoseinzadeh, M., & Javadi, M. (2016). Science and Technology Macro Intermediary Institutions; a Paradigmatic Model: the Case Study of Science and Technology Vice Presidency. *The Scientific Journal of Strategy*, 25(2), 5-28. (in persian).
- VanAelst, P. (2019). *Journalists and Public Policy*. The International Encyclopedia of Journalism Studies. <https://doi.org/10.1002/9781118841570.iejs0054>.